

دوره سوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۱۰۱ تا ۱۱۰ http://ch.sbmu.ac.ir	سلامت اجتماعی مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت	مقاله اصیل
---	--	---------------

مقایسه ویژگی های شخصیتی و امید زنان سرپرست خانوار با تمایل یا عدم تمایل به ازدواج مجدد

شهلا اروجلو^۱، آناهیتا خدابخشى کولایى^{۲*}

۱. کارشناس ارشد مشاوره، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار گروه مشاوره و روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: آناهیتا خدابخشى کولایى، گروه مشاوره و روان شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران
a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

تاریخ پذیرش: فروردین ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۴

نحوه استناد به این مقاله:

Orojloo S, Khodabakhshi Koolae A. Comparison between Personality Traits and Hope among Female-headed Households with or without Tendency towards Remarriage. *Community Health* 2016; 3(2): 101-110.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده‌ای به نام زن سرپرست خانوار، یک واقعیت اجتماعی است که امروز در تمام جوامع به چشم می‌خورد و به دلایل مختلف به وجود می‌آید. تحقیقات پیشین نشان داده است زنان سرپرست خانوار از آسیب پذیرترین افراد جامعه هستند. از این رو، این مطالعه با هدف مقایسه ویژگی های شخصیتی و امید به زندگی زنان سرپرست خانوار با تمایل یا عدم تمایل به ازدواج مجدد انجام شد.

روش و مواد: این پژوهش از نوع علی مقایسه ای است. ۱۴۰ سرپرست خانوار (۲۵ تا ۵۰ سال) به روش نمونه گیری طبقه ای خوشه ای ۷۰ زن سرپرست خانوار با تمایل به ازدواج مجدد و ۷۰ زن سرپرست خانوار بدون تمایل به ازدواج مجدد در شهر تهران در سال ۱۳۹۴ انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری شامل مقیاس امید Snyder و مقیاس شخصیتی پنج عاملی (FFI-NEO) می باشد. داده ها با استفاده از آزمون t مستقل مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: یافته ها نشان داد تفاوت معناداری بین روان آزاده خویی ($P=0/047$)، برون گرایی ($P=0/006$)، پذیرا بودن ($P=0/001$) در زنان سرپرست خانوار با و بدون تمایل به ازدواج مجدد وجود داشت. علاوه براین، بین مسئولیت پذیری ($P=0/14$)، سازگاری ($P=0/88$) و همچنین متغیر امید ($P=0/650$) در زنان سرپرست خانوار با و بدون تمایل به ازدواج مجدد تفاوت معناداری وجود نداشت.

نتیجه گیری: زنان سرپرست خانوار با ویژگی شخصیتی برون گرایی و پذیرا بودن تمایل بیشتر به ازدواج مجدد دارند و زنان سرپرست خانوار با ویژگی شخصیتی آزاده خویی تمایل کمتری برای ازدواج مجدد دارند. بنابراین، باید برنامه های آموزشی برای افزایش برون گرایی و پذیرا بودن در زنان سرپرست خانوار در جهت تغییر نگرش به ازدواج مجدد و در نهایت کاهش مشکلات فردی و اجتماعی مدنظر قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: ویژگی های شخصیت، امید، زنان سرپرست خانوار، ازدواج مجدد

مقدمه

سرپرست خانوار ۱۲٪ یا بیش از ۲/۵ میلیون از جمعیت تمام خانوار های ایرانی را تشکیل می‌دهند. این رقم یک افزایش ۷۲٪ در ۱۵ سال گذشته داشته است. ۷۱/۴٪ درصد از زنان سرپرست خانوار بیوه، ۱۳/۶٪ درصد متأهل،

در کشورهای در حال توسعه افزایش چشمگیری در تعداد و نسبت زنان سرپرست خانواده گزارش شده است (۱). براساس گزارش جمعیت ملل متحد در ایران، زنان

دارای مشکل بوده، شادکامی کمتری دارند و استرس و اضطراب بیشتری را تجربه می‌کنند (۸). بر اساس نتایج تحقیقات روانشناسی احتمال ابتلا به بیماری های روانی در زنانی که طلاق گرفته‌اند و سرپرستی خانواده را نیز بر عهده دارند از متأهلین و کسانی که تنها زندگی می‌کنند بیشتر است (۹).

در نظریه کنش متقابل اطلاق لفظ آسیب پذیر را به تمام زنان سرپرست خانواده صحیح نمی‌داند. به عبارت دیگر نمی‌توان این گروه از زنان را کاملاً قربانی و منفعل در برابر شرایط دانست، بلکه باید با بررسی تجربه های شخصی این زنان راه های مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت (۷). در همین راستا، تحقیقات نشان می‌دهد ویژگی های شخصیتی افراد می‌تواند الگوهایی برای پیش بینی رفتار و حالت های روانی آنان فراهم آورد و تفاوت های فردی افراد عامل مهمی است که نشان می‌دهد چرا برخی از افراد بهتر از دیگران با شرایط و متغیرهای محیطی کنار می‌آیند و از سطوح مختلف انگیزش، رضایت برخوردارند (۱۰-۱۲).

در این میان امید، متغیر دیگری است که بر میزان نگرش افراد به آینده و تصمیم در سطوح مختلف زندگی تأثیر گذار است (۱۳). از مطالعه آثار موجود درباره امید، به نظر می‌آید صاحب نظران عقیده یکسانی درباره امید ندارند. نظریه های اولیه امید تمایل داشتند که امید را در قالب یک مدل تک بعدی مفهوم سازی کنند. عده ای دیگر امید را یک سازه چندبعدی می‌دانند. تکیه بر هر یک از این نظریه ها می‌تواند شخص را به سوی امید واهی (رویکرد اول) یا امید واقعی (رویکرد دوم) سوق دهد (۱۲). Snyder ملقب به سلطان امید برای اولین بار نظریه اش را درباره امید مطرح کرد و آن را مرکب از «قدرت اراده»، «قدرت راهیابی»، «داشتن هدف» و «تشخیص موانع» دانست (۱۵).

در دهه های اخیر در ایران، در ارتباط با زنان سرپرست خانوار، پژوهش های علمی متعددی در زمینه های مختلف به عمل آمده است. بیشتر تحقیقات پیشین در زمینه زنان سرپرست خانوار، بررسی عوامل آسیب زای ناشی از سرپرست خانوار چون راهکارهای خروج زنان سرپرست خانوار از مشکلات روانی، تأثیر کارگاه های آموزشی

۱۰٪، طلاق گرفته و ۵٪ هرگز ازدواج نکرده‌اند (۲). سازمان بین المللی کار زنان سرپرست خانوار، را شامل خانواده هایی می‌داند که در آن مردان بالغ به دلیل طلاق، جدایی، مهاجرت، عدم ازدواج و یا بیوه‌گی حضور ندارند یا در صورت حضور مانند مردان معتاد، بی‌کار، زندانی، متواری و یا از کار افتاده سهمی در درآمدهای خانواده ندارند (۳). یکی از دلایل گسترش پدیده سرپرستی خانوار توسط زنان گرایش فرهنگی و سنتی است که از یک سو مردان بی‌همسر (خواه مجرد، خواه بی‌همسر بر اثر فوت همسر و یا طلاق) به ندرت به همسرگزینی از بین زنان بی‌همسر روی آورده و به دلایلی چون عدم قبول مسئولیت معاش فرزندان آنها و میل به ازدواج با دختران مجرد تمایلی به ازدواج با این زنان را ندارند، از سوی دیگر زنان بی‌همسر نیز گاه به دلیل وفاداری به شوهر متوفای خود، ترس از آزار کودکان شان در ازدواج مجدد و گاه به دلیل آزادی بیشتر نسبت به زمان تأهل تن به ازدواج مجدد نمی‌دهند (۴).

روانشناسان معتقدند یکی از عمده ترین منابع استرس برای زنان به ویژه زنان سرپرست خانواده، ایفای نقش های متعدد در زمان واحد است (۵). به این معنا که، زنان سرپرست خانوار از همان زمان که همسر خود را به هر دلیلی از دست می‌دهند مجبور به ایفای نقش های چندگانه ای می‌شوند که در تعارض با یکدیگر قرار دارند (۶). در نتیجه زن هم از حیث مادی و هم از حیث روانی عاطفی دچار مشکل گردیده و استرس و اضطراب بیشتری را تجربه می‌کند (۵ و ۷). در همین راستا Adams اختلالات روانشناختی زنان سرپرست خانوار مطلقه را بررسی نموده و اظهار می‌دارد که مادر پس از طلاق در برابر یک سری از مشکلات مانند تأمین مراقبت از کودک، یافتن سرپناهی مناسب، تأمین معیشت خانواده و دشواری های ناشی از این که او تنها بزرگسال خانواده است، قرار می‌گیرد و باید نقش پدری و مادری را هم زمان به عهده بگیرد (۵). این در حالی است که به دلیل عدم دسترسی به مشاغل با منزلت، مجبور به اشتغال در مشاغل حاشیه ای، نیمه وقت، غیررسمی و کم درآمد می‌گردند (۶ و ۷). روانشناسان معتقدند که زنان سرپرست خانوار هم از حیث مادی و هم از حیث روانی و عاطفی

ناقص بودند یا عودت داده نشدند از مطالعه حذف شدند. جهت اندازه‌گیری سطح امید از مقیاس امید State Hope Snyder استفاده شد (۲۲). مقیاس امید بر اساس نظریه Snyder، امید فرد را به عنوان یک ویژگی شخصیتی نسبتاً ثابت تعیین می‌کند. این مقیاس، شامل ۱۲ سؤال می‌باشد و پاسخ بر اساس شاخص لیکرت هشت درجه‌ای از کاملاً مخالف، نمره یک تا کاملاً موافق نمره هشت، نمره گذاری می‌شود. بنابراین دامنه ممکن امتیازها در فاصله ۱۲ تا ۹۶ می‌باشد. این پرسشنامه شامل دو خرده مقیاس مسیر و تفکر عامل است (۲۲). برای پاسخ دادن به هر پرسش، پیوستاری از کاملاً نادرست تا کاملاً درست در نظر گرفته شده است. میزان پایایی این مقیاس، در این مطالعه نیز با روش همسانی درونی بررسی شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد. روایی این مقیاس را به روش روایی محتوا Snyder نیز تأیید کرد (۲۳). پایایی این مقیاس، در نسخه ایرانی با روش همسانی درونی بررسی شد و آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد (۲۴).

برای سنجش ویژگی‌های شخصیتی از پرسشنامه NEO استفاده شد که یکی از جدیدترین پرسشنامه‌های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه تحلیل عاملی است. پرسشنامه ای ۶۰ سؤالی است که توسط Costa و McCrae در سال ۱۹۹۲ تدوین و برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت روان آورده خوبی، برون‌گرایی، پذیرا بودن، سازگاری و مسئولیت پذیری به کار می‌رود. اجرای این آزمون از نظر هزینه و زمان مقرون به صرفه است و مقیاس‌های آن از اعتبار بالایی برخوردارند (۲۵). همبستگی پنج زیرمقیاس فرم کوتاه با فرم بلند از ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ می‌باشد. همچنین، همسانی درونی خرده مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ برآورده شده است. روایی این پرسشنامه توسط McCrae و Costa بین ۰/۴۲ تا ۰/۸۰ و اعتبار آن در تست بازآزمایی ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (۲۶). نتایج بررسی اعتبار بر روی ۶۳۰ دانشجوی دانشگاه افسری با استفاده از آلفای کرونباخ میزان اعتبار ویژگی‌های با وجدان بودن (۰/۸۳) و روان آورده گرایی (۰/۸۰)، موافق بودن (۰/۶۰) برون گرایی (۰/۵۸) نشان داد. همچنین در بررسی روایی

مختلف برای کمک به زنان سرپرست خانوار (۱۶ و ۱۷)، سلامت روانی زنان بهزیستی روانشناختی (۷ و ۱۸)، بررسی آسیب‌های روانی اجتماعی (۱۹)، مشکلات اقتصادی (۴ و ۶) همچنین مطالعاتی در ارتباط با تأثیر ازدواج موقت و دائم بر سلامت عمومی و بهزیستی روانشناختی زنان سرپرست خانوار انجام شده است (۲۰ و ۲۱) و کمتر به بررسی مسایل خصوصیات فردی زنان سرپرست خانوار پرداخته شده است. از این رو، با توجه به این که ازدواج و میل به زناشویی زن و مرد از گرایز اولیه نوع بشر است و هر انسانی به صورت طبیعی علاقه‌مند به ازدواج است. بنابراین در شرایط عادی نباید شاهد عدم تمایل به این گرایش فطری باشیم اما به علت ویژگی آسیب‌پذیری بالای این زنان، می‌توان انتظار داشت که در شرایط خاص و با وجود مشکلات ناشی از قبول نقش‌های جدید برای این گروه از زنان تمایل به ازدواج از حالت عادی خارج شده باشد و در این قشر از زنان جامعه تمایل زیادی برای ازدواج مجدد دیده نشود. از این رو، این مطالعه با هدف مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و امید به زندگی زنان سرپرست خانوار با تمایل یا عدم تمایل به ازدواج مجدد انجام شد.

روش و مواد

این مطالعه به صورت علی مقایسه ای انجام شد. جامعه آماری ۱۵۰۰ نفر از زنان سرپرست خانوار بهزیستی بودند که در چهار مرکز به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده از مراکز امور اجتماعی سازمان بهزیستی شهر تهران در سال ۱۳۹۴ دارای پرونده بودند. در گام اول ۲۵۰ زن سرپرست خانوار (به طور تقریبی از هر مرکز ۶۰ نفر) در محدوده سنی ۲۵ تا ۵۰ سال براساس اطلاعات دریافتی و پرونده‌های آنها در سازمان بهزیستی استان تهران و به صورت به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در گام دوم پرسشنامه‌ها با کمک مددکاران این مراکز بین آن‌ها توزیع و در نهایت ۱۴۰ پرسشنامه کاملاً تکمیل شده بر اساس اظهار تمایل یا عدم تمایل زنان به ازدواج از بین پرسشنامه‌ها انتخاب گردید و در دو گروه ۷۰ نفر زن سرپرست خانوار با تمایل به ازدواج مجدد و ۷۰ نفر زن سرپرست خانوار بدون تمایل به ازدواج مجدد قرار داده شدند. لازم به ذکر است که برخی از پرسشنامه‌هایی که

تمایل ۲۶ (٪۳۷/۱) نفر و عدم تمایل ۳۴ (٪۴۸/۶) نفر به ازدواج مجدد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ بود. همچنین، بیشترین فراوانی در متغیرهای جمعیت شناختی در زنان سرپرست خانوار با تمایل به ازدواج مجدد و بدون تمایل به ازدواج مجدد به شرح زیر است، ۳۳ (٪۴۷/۱) نفر از زنان سرپرست خانوار با تمایل به ازدواج مجدد شرکت کننده در تحقیق دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۴۵ (٪۶۴/۳) خانه‌دار و ۴۲ (٪۶۰) علت بی سرپرستی طلاق بود. این متغیرها در زنان بدون تمایل به ازدواج مجدد به ترتیب در سطح تحصیلات، شغل و علت بی سرپرست شدن برابر با زیردیپلم ۴۸ (٪۶۸/۶) نفر، ۴۷ (٪۶۷/۱) نفر خانه دار و ۳۲ (٪۴۵/۷) نفر طلاق بود (جدول شماره ۱). برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات از آزمون های Shapiro-Wilk test و Kolmogorov-Smirnov test استفاده شد. شرط برابری واریانس های درون گروهی و نیز توزیع نرمال بودن داده ها برقرار بود. برای مقایسه میانگین این دو نمونه مستقل از آزمون t مستقل استفاده شد.

همزمان مشاهده شد که ضریب همبستگی روان آزرده گرایی و برون گرایی در پرسشنامه نئو با روان آزرده گرایی و برون گرایی در پرسشنامه آیزنک به ترتیب معادل ۰/۶۸ و ۰/۴۷ می باشد (۲۷). پژوهش حاضر با رعایت ملاحظات اخلاقی اجرا گردید. پس از اخذ رضایت نامه آگاهانه، اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات، جمع آوری داده ها با به کارگیری پرسشنامه بی نام ورود به مطالعه با اختیار و آزادی و بدون به کارگیری جبر و فشار انجام گردید، برای حضور در تحقیق اختیار تام دارند و به آزمودنی اعلام گردید که می توانند در صورت تمایل نتیجه آزمون به دست آمده را شخصاً دریافت کنند. پس از جمع آوری اطلاعات، در نهایت داده ها با استفاده از روش های آماری میانگین، انحراف استاندارد و آزمون t برای دو گروه مستقل و با نرم افزار SPSS-17 تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها

این مطالعه با مشارکت ۷۰ زن سرپرست خانوار با تمایل به ازدواج مجدد و ۷۰ زن سرپرست خانوار بدون تمایل به ازدواج مجدد انجام شد. یافته ها نشان داد بیشترین

جدول شماره ۱- متغیرهای جمعیت شناختی در زنان سرپرست خانوار

متغیر	با تمایل به ازدواج مجدد		بدون تمایل به ازدواج مجدد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
سن	زیر ۳۰ سال	۱۲	۱۷/۱	۲/۹
	۳۰ تا ۴۰ سال	۲۳	۳۲/۹	۲۴/۳
	۴۱ تا ۵۰ سال	۲۶	۳۷/۱	۴۸/۶
	۵۱ سال و بالاتر	۹	۱۲/۹	۲۴/۳
تحصیلات	زیر دیپلم	۳۳	۴۷/۱	۶۸/۶
	دیپلم	۲۸	۴۰/۰	۲۷/۱
	فوق دیپلم	۲	۲/۹	۱/۴
	لیسانس	۷	۱۰/۰	۲/۹
شغل	آزاد	۱۵	۲۱/۴	۱۱/۴
	کارمند	۶	۸/۶	۲/۹
	خانه دار	۴۵	۶۴/۳	۶۷/۱
	کارگر خدماتی	۴	۵/۷	۱۸/۶
علت بی سرپرست شدن	طلاق	۴۲	۶۰/۰	۴۵/۷
	فوت	۱۴	۲۰/۰	۳۱/۴
	متارکه	۱۳	۱۸/۶	۲۱/۴
	زندانی بودن سرپرست	۱	۱/۴	۱/۴

همچنین، بین ویژگی شخصیتی مسئولیت پذیری ($t=۰/۱۴$, $P=۰/۸۸$)، سازگاری ($t=۱/۴۵$, $P=۰/۱۴$) و متغیر امید ($t=۰/۴۵$, $P=۰/۶۵۰$) در زنان سرپرست خانوار با و بدون تمایل به ازدواج مجدد، تفاوت معناداری وجود ندارد.

در جدول شماره ۲ ویژگی شخصیتی، برون گرایی ($t=۲/۸۱$)، پذیرا بودن ($t=۳/۶۱$) در زنان سرپرست خانوار با تمایل به ازدواج مجدد بیشتر از زنان بدون تمایل به ازدواج است و ویژگی روان آزرده خویی ($t=-۲/۰۰۳$) در زنان بدون تمایل به ازدواج بیشتر نشان داده شده است.

جدول شماره ۲- مقایسه ویژگی شخصیت و امید در زنان سرپرست خانوار با تمایل یا عدم تمایل به ازدواج مجدد

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	P
روان آزرده خویی	تمایل به ازدواج مجدد	۳۸/۹	۷/۳	۰/۰۴۷
	عدم تمایل به ازدواج مجدد	۴۱/۴	۷/۱	
برون گرایی	تمایل به ازدواج مجدد	۳۷/۲	۶/۷	۰/۰۰۶
	عدم تمایل به ازدواج مجدد	۳۴/۲	۶/۲	
پذیرا بودن	تمایل به ازدواج مجدد	۳۵/۶	۴/۳	۰/۰۰۱
	عدم تمایل به ازدواج مجدد	۳۳/۲	۳/۶	
سازگاری	تمایل به ازدواج مجدد	۴۰/۳	۵/۶	۰/۸۸
	عدم تمایل به ازدواج مجدد	۴۰/۱	۴/۷	
مسئولیت پذیری	تمایل به ازدواج مجدد	۴۳/۸	۷/۲	۰/۱۴
	عدم تمایل به ازدواج مجدد	۴۲/۱	۶/۴	
امید	تمایل به ازدواج مجدد	۴۰/۵	۵/۵	۰/۶۵
	عدم تمایل به ازدواج مجدد	۴۰/۱	۵/۶	

بحث

بهره گرفت. با وجود این که، نتایج مطالعات متعددی نشان داده است که تفاوت معناداری در سلامت روان زنان سرپرست خانواده نسبت به زنان دیگر وجود دارد. به عنوان مثال، در مطالعه ای دیگر که توسط بلداجی و همکاران (۵) انجام شد است، احتمال ابتلا به بیماری های روانی در زنانی که طلاق گرفته اند و سرپرستی خانواده را نیز عهده دار هستند نسبت به متأهلین و کسانی که تنها زندگی می کنند نشان داده شده است. بدین ترتیب که نمره ابعاد سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی در دو گروه زنان سرپرست خانوار اختلاف معناداری داشت. همچنین نتایج پژوهش انجام شده ای بر روی ۲۵۰۰ زن سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی تهران حاکی از آن است که ۷۷٪ از زنان سرپرست خانوار این پژوهش از سلامت روان کامل برخوردار نبوده و تنها ۲۳٪ از آن ها از سلامت روان کامل برخوردار بودند (۷). در پژوهش دیگری، نشان داده شد زنان سرپرست خانوار، از نظر سلامت روانی در وضعیت به مراتب بدتری نسبت به

مطالعه نشان داد بین ویژگی شخصیتی روان آزرده خویی، برون گرایی، پذیرا بودن در زنان سرپرست خانوار با تمایل و یا عدم تمایل به ازدواج مجدد تفاوت وجود دارد. براساس داده های به دست آمده در این پژوهش، میزان روان آزرده خویی در زنان سرپرست خانوار با تمایل به ازدواج مجدد کمتر و میزان برون گرایی و پذیرا بودن در این گروه بیشتر از زنان سرپرست خانوار بدون تمایل به ازدواج مجدد می باشد. همچنین یافته های بعد سازگاری و مسئولیت پذیری هر دو گروه تقریباً یکسان و تفاوت معنی دار ملاحظه نشد. اگرچه براساس پژوهش های انجام شده توسط نویسندگان مقاله هیچ یک از تحقیقات پیشین به مقایسه ویژگی های شخصیت و تمایل به ازدواج مجدد در بین زنان سرپرست نپرداخته اند لذا پژوهشی همسو یا غیر همسو با دستاوردهای این پژوهش یافت نشد. اما دستاوردهای قبلی معمولاً با یکی از متغیرهای عوامل شخصیت در ارتباط است که می توان از آنها در این راستا

نگرش منفی موجب فشار، تنش، فرسودگی و احساس ناتوانی در این گروه از زنان می‌شود. در نهایت این امر منجر به بروز اختلالات روانشناختی و تأثیر بر سطح کیفیت زندگی آنان شده و آنان را مستعد پذیرش دیگر آسیب‌های اجتماعی می‌کند (۶). همچنین، موجب عدم تمایل به ازدواج در زنان بی‌سرپرست می‌شود. بنابراین این گروه از زنان سرپرست خانوار که دارای بعد روان‌آزرده‌خویی بالایی هستند به دلیل تجربه تلخ قبلی (۴۰) و مشکلات عدیده عاطفی و اجتماعی ایجاد شده تمایلی به ازدواج مجدد ندارند.

همچنین، براساس نتایج به دست آمده در این پژوهش بین امید در زنان سرپرست خانوار با و بدون تمایل به ازدواج مجدد تفاوت معناداری وجود ندارد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد تحقیقی مشابه که متغیر امید را در این دو گروه بررسی کرده باشد یافت نشد. بنابراین، در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان این‌گونه بیان کرد که آنچه مسلم است زنان سرپرست خانوار همواره دارای ترس از ازدواج مجدد هستند که این ترس خصوصاً برای زنان مطلقه ترسی عمیق و واقعی است و شاید این ترس و اثرات آن به حدی باشد که بر میزان امید آن‌ها به گونه‌ای تأثیر بگذارد که این زنان ازدواج مجدد را به منزله برون‌رفت از شرایط فعلی و آسیب‌های روانی قبلی ندانند (۴۱). لذا میزان امید آنها در رخدادهای دیگر مانند به دست آوردن شغل، موقعیت اجتماعی مناسب، به ثمر رساندن فرزندان، استقلال مالی و... نمود پیدا کند و مؤلفه‌ی ازدواج مجدد برای آنها متغیر افزایش‌دهنده امید نباشد که با بالاتر بودن امید یک گروه موجب تفاوت معنادار تمایل به ازدواج آنها شود. این زنان دائماً با نگرش‌های فرهنگی منفی نسبت به خود و فرزندان‌شان مواجه شده (۴۱) نگرش‌هایی که بسیار عذاب‌دهنده و موجب احساس حقارت، درماندگی، ترس و خجالت در آن‌ها می‌شود که با توجه به این امر بالا بودن شدت علائم افسردگی، شکایات جسمانی و حساسیت در روابط متقابل کاملاً توجیه‌پذیر است. با چنین شرایطی روحی که زنان سرپرست خانوار در آن زیست می‌کنند نمی‌توان انتظار امید به زندگی بالا داشت و حتی برای آن دسته که امید به زندگی بالا دارند به نسبت به گروه مقابل تفاوت

دیگر زنان قرار دارند و عمده‌تأیی از علائم بیماری‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آنها به وضوح دیده می‌شود (۲۸). می‌توان گفت که بیماری‌هایی مانند افسردگی، وسواس و پرخاشگری بر اساس ویژگی شخصیتی فرد برای پذیرش دیگران و برقراری ارتباط مؤثر با دیگران تأثیر منفی دارد (۲۹). افرادی که از نظر برون‌گرایی بالا هستند بهتر از افرادی که از این نظر پایین هستند می‌توانند با استرس زندگی روزمره مقابله کنند (۳۰). برون‌گرایان همچنین به احتمال بیشتری از حمایت اجتماعی برخوردارند تا به آنها در کنار آمدن با استرس کمک کند (۳۱). علاوه بر این، افرادی که در برون‌گرایی نمره بالایی گرفتند، رویدادهای زندگی مثبت به مراتب بیشتری را تجربه کردند (۳۲ و ۳۳). در همین راستا، بهبودی مطالعه‌ای با هدف پیش‌بینی کارکرد خانواده، براساس ویژگی‌های شخصیتی زوجین انجام داد و نتایج تحلیل وی نشان داد که ویژگی‌های برون‌گرایی با روان‌رنجورخویی، رابطه منفی و معنی‌دار دارد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که می‌توان براساس برون‌گرایی، سازگاری و روان‌رنجورخویی را پیش‌بینی کرد (۳۴). این درحالی است که صمیمیت یکی از عوامل برون‌گرایی است و برون‌گرایی و پذیرا بودن به عواطف مثبت منجر می‌شود (۳۵) و (۳۶).

به نظر می‌رسد سطح بالای برون‌گرایی و پذیرا بودن و پایین بودن میزان روان‌آزرده‌خویی نقش به‌سزایی در ایجاد تمایل به ازدواج در این زنان سرپرست خانوار ایجاد می‌کند. همان‌طور که تحقیقات پیشین نشان دادند افرادی که در روان‌آزرده‌خویی نمره بالایی گرفتند وقایع زندگی ناگوار به مراتب بیشتری را تجربه می‌کنند (۳۷) و (۳۸). علاوه بر این، سن زن، علت قبولی سرپرستی، نیازهای اقتصادی، نیازهای امنیتی، نیازهای جنسی و فرهنگی، تعداد فرزندان، میزان مستمری دریافتی از کمیته امداد، امکانات رفاهی، و تحصیلات زن با نگرش زن به ازدواج موقت در ارتباط اند (۲۰ و ۳۹). پس می‌توان گفت، با وجود نیازهای روانی و حمایتی این زنان فقدان چارچوب قانونی و سازمان‌یافته برای ازدواج موقت، جریان فرهنگی حاکم، فقدان حمایت‌های اجتماعی و

رویدادهای زندگی و ارتباط و همبستگی بین متغیرهای روان رنجوری، برون گرایی و پذیرا بودن با تمایل به ازدواج می توان گفت هر چقدر فرد نسبت به دیگران پذیراتر باشد و روان رنجوری پایین تری داشته باشد تمایل به ازدواج که همزیستی با فردی به طور دایم است نیز بیشتر است.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره نویسنده اول دفاع شده در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران می باشد. به این وسیله از همکاری صمیمانه مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی شهر تهران و کلیه زنان سرپرست خانوار مشارکت کننده در این مطالعه سپاسگزاری می گردد.

چشمگیری در تمایل به ازدواج نمی توان مشاهده کرد. بدیهی است تعمیم نتایج مطالعه حاضر به علت محدود بودن نمونه به زنان سرپرست خانوار شهر تهران باید با احتیاط صورت پذیرد. پیشنهاد می گردد با ارائه برنامه های ترویجی و آموزشی به منظور آگاه سازی زنان سرپرست خانوار در ابعاد گوناگونی چون تغییر نگرش با تمرکز بر بهبود ابعاد برون گرایی، پذیرا بودن و کاهش روان رنجورخویی قدمی در جهت کاهش مشکلات عاطفی زنان سرپرست خانوار و به تبع آن مشکلات و بحران های اجتماعی برداشته شود. همچنین، پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی از برای جمع آوری داده ها از روش های تلفیقی (کمی و کیفی) بهره گرفته شود.

نتیجه گیری

با توجه به تأثیر ویژگی های شخصیت در برخورد با

REFERENCES

1. Valizadeh H, Lotfollahzadeh S, Aghli V, Rostamzadeh A. Evaluation of the Self and Its Relationship with Social Anxiety and Entrepreneurship among Female-Headed Households Supported by Imam Khomeini Relief Committee (RA) West Azerbaijan Province, City of Urmia. An International Multidisciplinary Research Journal. 2015;5(9):83-95. (Full text in Persian)
2. United Nations Population Fund. The Situational Analysis of Female-Headed Households in the Islamic Republic of Iran. Available: http://iran.unfpa.org/FHH_Farsi-%20Layout.pdf
3. Zare Bahramabadi M, Nazari T. Effectiveness of Group Cognitive Therapy on Self Efficacy and Depression in Women who Head Familie. Journal of clinical psychology studies. 2014;4(14):83-98. (Full text in Persian)
4. Gholipour A, Rahimian A. Economic, Cultural, and Educational Factors Related to Empowerment of Head-of-Household Women. Social Welfare. 2011;11(40):29-62. (Full text in Persian)
5. Boldaji L, Foruzan A, Rafiey H. Quality of Life of Head-of-Household Women: a Comparison between those Supported by Welfare Organization and those with Service Jobs. Social Welfare. 2011;11(40):9-28. (Full text in Persian)
6. Veisani Y, Shahbazi N, Mami S, Naderi Z, Sayehmiri K, Sohrabnejad A et al . Relationship between Socioeconomic Status and General Health in the Female-headed Households. journal of ilam university of medical sciences. 2015;23(1):56-62. (Full text in Persian)
7. Hosseini HB, Foruzan S, Amirfaryar M. Studying Women Mental Health, as Householders Supported by Welfare Organization of Tehran. Quarterly Social Research. 2009;2(3):117-137. (Full text in Persian)
8. Azam Azadeh M., Tafte M. The sources of social exclusion and happiness in female-headed households. Women in Development & Politics, 2015; 13(3):335-356. (Full Text in Persian)
9. Symoens S, Van de Velde S, Colman E, Bracke P. Divorce and the Multidimensionality of Men and Women's Mental Health: The Role of Social-Relational and Socio-Economic Conditions. Applied Research in Quality of Life. 2014 Jun 1;9(2):197-214.
10. Shafiee H, Javidi H, Kazemi S. A Comparison of Personality Traits and Mental Health among Women and Men Heart-Rental Patient in Shahid Faghihi Hospital in Shiraz. Journal of woman and society. 2011;2(2):149-162. (Full text in Persian)
11. Cheng H, Furnham A. The Associations between Parental Socio-Economic Conditions, Childhood Intelligence, Adult Personality Traits, Social Status and Mental Well-Being. Social indicators research. 2014;117(2):653-64.
12. Iveniuk J, Waite LJ, Laumann E, McClintock MK, Tiedt AD. Marital Conflict in Older Couples: Positivity, Personality, and Health. Journal of Marriage and Family. 2014;76(1):130-44.

13. Nadi MA, Ghahremani N. The Relationship between Dimensions of Religiosity/Spirituality with Mental Health and Hope for Future between Staff of Public Hospitals in Shiraz. *Journal of education and health promotion*. 2014;25(79):1-11. (Full text in Persian)
14. Bahari F. Basic of Hope and Hope Therapy. 1^{ed}. Tehran: Danje, 2011. (Full text in Persian)
15. Snyder CR, Harris C, Anderson JR, Holleran SA, Irving LM, Sigmon ST, Yoshinobu L, Gibb J, Langelle C, Harney P. The Will and the Ways: Development and Validation of an Individual-Differences Measure of Hope. *Journal of personality and social psychology*. 1991;60(4):570.
16. Habibi M, Ghanbari N, Khodaei E, Ghanbari P. Effectiveness of Cognitive-Behavioral Management of Stress on Reducing Anxiety, Stress, and Depression in Head-Families Women. *Journal Of Research In Behavioral Research*. 2013;11(3):166-175. (Full text in Persian)
17. Jafari Shirazi F. Studying the Impact of life Skills Training on Raising the General Efficacy of Women Heads of Household in Tehran Municipality in 2010-2011. 2013;(6):47-70. (Full text in Persian)
18. Jamali M, Sepah Mansor M, Fallahian M. Comparative Study of Psychological Well-Being of Female Heads of House Hold & Women in Male Headed Households in Tehran. *Journal of women in development and politics*. 2014;11(4):531-542. (Full text in Persian)
19. Babaiefard A. The Investigation of the Social Factors Influencing Female-Headed Households' Responsibility in Kashan and Aran & Bidgol. *Womens Strategic Studies*, 2014;59:105- 158. (Full text in Persian)
20. Najafi M, Taghvai D, Salarifar M. The Comparison between General Health and Psychological Well-Being among Women-Headed Households with and without Temporary Marriage. *Journal of Islam & Psychology*. 2014;8(15):65-86. (Full text in Persian)
21. Ghorbanshiroudi SH, Poursedighi Z. The Comparison of Mental Health among Remarried Shahed Spouses and Non-Married Shahed Spouses and Determining the Effectiveness of Cognitive Behavioral Therapy on Their Mental Health Component. *Journal of educational psychology*. 2011;2(1):37-51. (Full text in Persian)
22. Snyder CR, Harris C, Anderson JR, Holleran SA, Irving LM, Sigmon ST, et al. The Will and the Ways: Development and Validation of an Individual-Differences Measure of Hope. *Journal of personality and social psychology*. 1991;60(4):570.
23. Snyder CR, Peterson C. *Handbook of Positive Psychology*. US: Oxford University Press. 2000.
24. Bijari H, Ghanbari HB, Aghamohamadian H, Homai SF. Effectiveness of Training Based of Hope Therapy Group in Improving the Meaning of Life between Breast Cancer Women. *Educational and psychological research*. 2009; 10(1): 172-185. (Full text in Persian)
25. Costa PT, MacCrae RR. Revised NEO Personality Inventory (NEO PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO FFI): Professional Manual. *Psychological Assessment Resources*; 1992.
26. McCrae RR, Costa PT. A Contemplated Revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and Individual Differences*. 2004;36(3):587-96.
27. Anisi J, Majdiyan M, Joshanloo M, Ghoharikamel Z. Validity and Reliability of NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) on University Students. *Journal of Behavioral Sciences*. 2011;5(4):351-5. (Full text in Persian)
28. Veisani Y, Delpisheh A. Decomposing of Socioeconomic Inequality in Mental Health: A Cross-Sectional Study into Female-Headed Households. *Journal of Research in Health Sciences*. 2015;31:15. (Full text in Persian)
29. Widiger TA. Personality and psychopathology. *World Psychiatry*. 2011;10(2):103-6.
30. Schneider TR, Rench TA, Lyons JB, Riffle RR. The Influence of Neuroticism, Extraversion and Openness on Stress Responses. *Stress and Health*. 2012;28(2):102-10.
31. Gross EB, Proffitt D. The Economy of Social Resources and its Influence on Spatial Perceptions. *Frontiers in human neuroscience*. 2013;7:772-774.
32. Lüdtke O, Roberts BW, Trautwein U, Nagy G. A Random Walk Down University Avenue: Life Paths, Life Events, and Personality Trait Change at the Transition to University Life. *Journal of personality and social psychology*. 2011;101(3):620.
33. Spinhoven P, Elzinga B, Roelofs K, Hovens JG, van Oppen P, Zitman FG, Penninx BW. The Effects of Neuroticism, Extraversion, and Positive and Negative Life Events on A One-Year Course of Depressive Symptoms in Euthymic Previously Depressed Patients Versus Healthy Controls. *The Journal of nervous and mental disease*. 2011;199(9):684-9.

34. Behboudi M, Hashemian K, Sharifi HP, Navabinezhad SH. Predicting Family Functioning Based on Couples 'Personality Traits. *Applied Psychology*. 2009;3(11):55-66. (Full text in Persian)
35. Hampes WP. Correlation between Humor Positive Styles and Loneliness. *Psychological Reports*. 2005;96(3):747-50.
36. Hampes WP. The Relation between Humor Styles and Empathy. *Europe's Journal of Psychology*. 2010;6(3):34-45.
37. Auerbach RP, Abela JR, Ho MH, McWhinnie CM, Czajkowska Z. A Prospective Examination of Depressive Symptomology: Understanding the Relationship between Negative Events, Self-Esteem, and Neuroticism. *Journal of Social and Clinical Psychology*. 2010;29(4):438-61.
38. Sarubin N, Wolf M, Giegling I, Hilbert S, Naumann F, Gutt D, Jobst A, Sabaß L, Falkai P, Rujescu D, Böhner M. Neuroticism and Extraversion as Mediators between Positive/Negative Life Events and Resilience. *Personality and Individual Differences*. 2015;82:193-8.
39. Zahed SS, Khamene B. Attitude of Female Head of Household Who Are under the Protection of Imam Khomeini's Committee in Shiraz Concerning Temporary Marriage. *Journal women study*. 2012;2(4):43-66. (Full text in Persian)
40. Määttä K, Uusiautti S. Changing Identities: Finnish Divorcees' Perceptions of a New Marriage. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2012;53(7):515-32.
41. Abela A, Casha C, Debono M, Lauri MA. Attitudes about Remarriage in Malta. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2015;56(5):369-87.

Archive of SID

Original Article

Comparison between Personality Traits and Hope among Female-headed Households with or without Tendency towards Remarriage

Shahla Orojloo¹, Anahita Khodabakhshi Koolae^{2*}

1. Master of Counseling, Department of Counseling , Science and research Branch, Islamic Azad University of Tehran, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Counseling and psychology, Faculty of Human Science, Khatam University, Tehran, Iran

***Corresponding Author:** Anahita khodabakhshi koolae; Counseling and psychology department, Faculty of Human Science, Khatam University, Tehran, Iran

Email: a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

How to cite this article:

Orojloo S, Khodabakhshi Koolae A. Comparison between Personality Traits and Hope among Female-headed Households with or without Tendency towards Remarriage. Community Health 2016; 3(2): 101-110.

Abstract

Background and Objective: The phenomenon of female-headed households is a social reality, that it can be seen today in most countries due to the various reasons. Female-headed households are the most vulnerable members of society. Therefore, the aim of current study was to compare the personality traits and hope among female-headed households with and without trend towards remarriage.

Materials and Methods: This study is a descriptive comparative research. The 140 female-headed households (25-50 ages) with tendency towards marriage (n=70) and without tendency towards marriage (n=70) were chosen through cluster simple in Tehran in 2015. The measuring instruments are State Hope Scale Snyder (1991) and NEO Five-Factor Inventory (FFI-NEO). Data was analyzed utilizing *t* independent.

Results: The results showed that there was significant difference between neuroticism (P=0.047), extraversion (P=0.006), openness (P=0.001) female-headed households with and without tendency towards marriage. Additionally, the significant difference was not observed between agreeableness (P= 0.88), conscientiousness (P= 0.149) and hope (P= 0.65) among female-headed households with and without tendency towards marriage.

Conclusion: These findings indicated there was a more tendency towards marriage in female-headed households with extraversion and openness and female-headed households with the neuroticism has less tendency towards marriage. Hence, it should be considered the educational program to enhance the extraversion and openness remarriage among female-headed households in order to change the attitude towards and finally to reduce social and individual problems.

Keywords: Personality traits, Hope, Female-headed households, Remarriage